

## مهمان سردبیر

یکی از عناصر کلیدی «قدرت ملی» هر نظام سیاسی «علم و فناوری» است. برجستگی سایر عناصر شکل دهنده این قدرت ملی به چنین عنصر کلیدی و حیاتی بستگی دارد. برای به فعلیت رسانیدن پتانسیل‌های بالقوه علم و فناوری هر کشور، دولت‌ها دست به تدوین راه‌حل‌های ملی می‌زنند که در ادبیات مدیریت سیاسی، «سیاست (خط مشی)» نامیده می‌شود. نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. سلسله مراتب راه‌حل‌های ملی در حوزه علم و فناوری در ایران عبارتست از (۱) ابرسیاست‌های (سیاست‌های کلان) علم و فناوری، (۲) سیاست‌های عمومی (خط مشی‌های) علم و فناوری (۳) استراتژی‌های علم و فناوری. ابرسیاست‌ها، محصول کار سطح نخست مدیریتی کلان کشور است که در سطح رهبری نظام و ستادهای تخصصی آن سطح متجلی می‌شود. سیاست‌ها، ره‌آورد دولت (در مفهوم سه قوه) است؛ و استراتژی‌ها فعل مدیریت دولتی (سطح سوم) و مدیریت بخش خصوصی (سطح چهارم) است.

به عبارت دیگر راه‌حل‌های ملی ارتقاء علم و فناوری در کشور می‌بایست در یک سلسله مراتب تعاملی بین ابرسیاست‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌ها ساری و جاری شوند. رابطه خطی بین این سه وجود ندارد بلکه صبغه تودرتویی دارند زیرا ابرسیاست‌ها، نقشه‌های کلان ملی هستند که نقشه‌های تفصیلی سیاست‌ها در آن جای می‌گیرند و استراتژی‌های رنگ و بوی عملیاتی‌تر دارند که در دل سیاست‌ها قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر ابرسیاست‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌ها صرفاً گزاره‌ها زیبا نیستند بلکه نقشه‌هایی هستند که پیوند بین عناصر درونی آنها به آنها سیمای زیبایی می‌دهد. بنابراین اگر بین عناصر نقشه سیاست‌های علم و فناوری کشور همسویی نباشد؛ همسویی بین ابرسیاست‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌ها زیر سوال خواهد رفت. یکی از انتقادات وارده بر نقشه جامع علمی کشور، ضعف همسویی فوق است. امید است در بازنگری این نقشه، همسویی بین ابرسیاست‌های علم و فناوری، سیاست‌ها و استراتژی‌ها در پرتو چشم‌انداز و پیرنگ‌تر شود.

دکتر حسن دانایی فرد